

زیر پوست شهر

اخیراً از یکی از بستگانِ نزدیک شنیدم که سه نفر از خویشاوندان جوان ما در سالیان اخیر در سلک روحانیت در آمده و مشغول تحصیلِ دروس طلبگی اند. یکی از ایشان، ابتدائاً دانشجوی دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران بوده، پس از یک ترم، تحصیل را رها کرده و به حوزهٔ علمیهٔ قم رفته است؛ دو نفر دیگر نیز پس از اخذ دیپلم در دبیرستان‌های تهران، درس طلبگی را آغاز کرده‌اند. این سه خانواده را به نیکی می‌شناسم؛ هر سه ساکن تهران‌اند، به لحاظ معیشتی، وضعیت نسبتاً خوبی دارند؛ مذهبی و سنتی‌اند، مناصب دولتی و حکومتی ندارند. هر سه نفر، در دههٔ نود شمسی به این کار مبادرت ورزیده و همچنان به تحصیل حوزوی مشغول اند. اگر در سالهای ۵۵-۵۶ شمسی یا سالیان اول انقلاب بودیم، با توجه به زمینه و زمانهٔ آن روزگار، شنیدن این خبر کم و بیش متعارف بود و دست کم استبعادی نداشت. اما، در روزگار کنونی، شنیدن این خبر، خصوصاً پس از سپری شدن دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و نهادینه شدن اصناف مشکلات معیشتی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی... در کشور، قابل توجه است. چنانکه آوردم، هیچ یک از این سه خانواده، منصب حکومتی ندارند و ارتباط سیاسی با دولت و حکومت ندارند؛ در عین حال فرزندان این سه خانواده چنین تصمیمی گرفته‌اند...

سطور فوق، صرفاً یک مشاهده (observation) اند و نه بیشتر. عنایت دارم که در دو دههٔ اخیر، دین‌گریزیِ جدی‌ای در میان جوانان سربرآورده، دین‌گریزی‌ای که به تعبیر دقیق‌تر با «شریعت‌گریزی» هم‌عنان است و عجین شده. در عین حال، برای بدست دادن تحلیلی جامع‌الاطراف و واقع‌بینانه از آنچه پیرامون ما می‌گذرد، در نظر آوردن موارد فوق نیز ضروری و رهگشاست. چنانکه پیشتر در نوشته‌های خود آورده‌ام، در وضعیت کنونی، می‌توان «اسلام سنتی»، «اسلام سنت گرایانه»، «اسلام بنیادگرایانه» و «اسلام رفرمیستی» را از یکدیگر تفکیک کرد و بازشناخت. «اسلام سنتی» که در جامعهٔ ما حاملان و قائلان بسیار دارد، رابطهٔ وثیقی با روحانیت دارد، روحانیان و طلابی که به نحو اغلبی حافظان و پاسداران شریعت‌اند و به نزد ایشان، فقاہت و اجرای احکام شریعت دست بالا را دارد و قوام‌بخش دینداری است. در عین حال برخی از روحانیونِ نسل جدید، خصوصاً در دو دههٔ اخیر، دل‌مشغول «اسلام رفرمیستی» شده‌اند.

هرچند بیش از بیست سال است از «اسلام سنتی» عبور کرده، دل‌مشغول «اسلام رفرمیستی»‌ام و بدان باور دارم و طی ده سال اخیر در این قلمرو، جستارهای متعددی منتشر کرده‌ام؛ در عین حال، نگاه واقع‌بینانه اقتضا می‌کند، آنچه را در محیط اطراف و «زیر پوست شهر» رخ می‌دهد، رصد کرده، در نظر آورده، به رسمیت شناخته و در آثار و نتایج مترتب بر آن تأمل کنم...